

مجلس بزرگداشت نجمی علوی در دایرة المعارف ایران شناسی

گزارشگر: سارا حیدری

نویسنده‌ی مبارز بانو نجمی علوی (عضو هیات تحریریه‌ی مجله‌ی زنان: بیداری ما و مؤلف کتاب ما هم در این خانه حقی داریم)، دختر مرحوم سیدابوالحسن علوی (از مبارزان جنبش مشروطه) و خواهر زنده‌یاد بزرگ علوی (نویسنده‌ی معروف) و دختر عموی مرحوم سیدحسن علوی (عضو هیات امنای مسجد جامع تهران پارس)، در روز جمعه ۶ دی ۱۳۸۷ برابر ۲۶ دسامبر ۲۰۰۸ در سن ۸۸ سالگی در لندن از دنیا رفت. برای او، با همیاری بانوان عضو «انجمن دوستداران ماهنامه‌ی حافظ» مجلس بزرگداشتی در روز شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۷ از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر در دایرة المعارف ایران شناسی با حضور پرشور فعالان عرصه‌ی قلم و مطبوعات بویژه بانوان فرهیخته و علاقه‌مندان به فرهنگ و اندیشه برگزار گردید.

در آغاز این مراسم، پروفیسور سیدحسن امین پس از خواندن ابیاتی فارسی در ترجمه‌ی آباتی از قرآن کریم، به معرفی خدمات فرهنگی و اجتماعی نجمی علوی و خاندان او پرداخت. سپس آقای علی الوندی (سالک تویسرکانی) اشعاری در مدح امام علی و ابیاتی از الهی‌نامه‌ی رضی‌الدین آرتیمانی با صوت خوش قرائت کرد. وی هم‌چنین دیوان کامل رضی‌الدین آرتیمانی را که با مقدمه‌ی بی‌قلم تعدادی از اهالی قلم و فرهنگ از جمله پروفیسور سیدحسن امین به چاپ رسیده است، به استاد امین هدیه داد. آن‌گاه خطیب و شاعر توانای معاصر علیرضا تبریزی بعد از تلاوت خطبه‌ی غزالی محیی‌الدین ابن عربی به سخنرانی پرشوری در زمینه‌ی لزوم گرمی‌داشت چهره‌های خدمتگزار عرصه‌ی فرهنگ در ایران معاصر پرداخت که با استقبال شنوندگان مواجه شد.

آن‌گاه سخنوران زیر نیز به سخنرانی پرداختند.

- ۱- دکتر محمدتقی متقی بهبهانی، عضو هیات علمی دانشگاه‌ها
- ۲- دکتر محمد اشتری، وکیل دادگستری
- ۳- مهندس حسین جلی، مخترع و استاد وزن شعر
- ۴- مهندس حجت حیدری، مدیر اجرایی دایرة المعارف

ایران شناسی

- ۵- مهدی شمسایی، کارگردان تئاتر، نویسنده و پژوهشگر
- ۶- احسان امراللهی، مسوول روابط عمومی نشریه‌ی حافظ این شاعران نیز نمونه‌ی آثار خود را قرائت کردند: سیداحمد حسینی، اسدالله جامعی، پژمان فتحی، هدی قشقائی، بتول مومن (آذرمهر)، علی‌خان بابایی، طاهره لطفی (افسون)، باقر علی‌یاری، ناصر حسن‌زاده، آرزو اتابکی، محمدمهدی قدیانی.

سیدمصطفی مداحی نیز با نوازندگی خود همراه دیکلمه‌ی بانوی هنرمند خاتم مینا نوروزی حاضران را به فیض رساندند. جلسه با آواز ابوالحسن اسعدی کتابدار هنرمند دانشگاه تهران که شعری از حافظ را به صوت خوش خواند، پایان یافت.

سر کیسیانس (تحت زعامت سرکیس اهناز اربانتز درگذشته‌ی ۱۹۲۱ق)، تومانیان (طومانیانس صاحب کاروان‌سرای که به‌نام وی به کاروان‌سرای تومانیان مشهور شد)، ماردوروس (مارتروس که در دروازه‌ی عراق کارگاه مشروب‌سازی داشت، همسرش آن‌ها را به هم‌کیشان‌شان می‌فروخت)، حق‌نظریان (که یکی از افراد خانواده‌ی ایشان در حادثه‌ی ناموسی به قتل رسید)، موشق‌آویان (آوانیان)، آوادیس مانوکیان، تیگران بابایان (رییس شعبه‌ی بانک روس در سبزواری)، اندریاس، میناس، یوگور، گریگوریان و غریبیان...

دکتر قاسم غنی در جوانی قصد ازدواج با دختری (به‌نام هلن ترمگردیچیان) از یکی از همین خانواده‌های ارمنی مقیم سبزواری داشته است و من آن موضوع را در کتاب **کارنامه‌ی غنی: تحولات عصر پهلوی** به بحث کشیده‌ام که البته درجه‌ی تسامح و تساهل دینی متمدانه‌ی هم‌وطنان ما را نشان می‌دهد.

در انقلاب مشروطیت، ارمنیان به آزادی‌خواهان پیوستند. پیرم‌خان ارمنی از سرداران مشروطه شد و تعداد ۵۸ نفر از ارمنیان در درگیری‌های مشروطیت به شهادت رسیدند. در طول این مدت، روابط بین ارمنیان و اهالی سبزواری بسیار دوستانه بود، الا این‌که در یک مورد که مردی ارمنی به‌نام نرسیس حق‌نظریان با زنی کولی و مسلمان رابطه پیدا کرده بود، هم‌زمان با اختلاف مشروطه‌طلبان و مستبدان و دودستگی‌های محلی برخاسته از آن، مستبدان مقیم سبزواری مرد ارمنی را کشته و زن را سنگسار کرده بودند. این داستان را کنسول انگلیس در کتاب **آبی** چنین گزارش کرده است:

«در ۲۸ بهمن ۱۲۸۵ به تهران خبر رسید که در سبزواری جمعی از متعصبین، یک نفر ارمنی تبعه‌ی روس را به جرم این‌که با زنی مسلمة مراوده‌ی نامشروع داشت، به قتل رسانیده و آن زن را دستگیر و مقتول ساخته‌اند و جسد هر دو را در حضور عامه سوزانیده‌اند.»

مادربزرگ من (مادر مادرم مسمات به «حاجیه آغابگم عربشاهی» که شیرزنی زاده‌ی سبزواری بود و سال‌های آخر عمر را در تهران زیست و در وادی‌السلام قم دفن شد)، آن زن کولی بی‌چاره را دیده بود که فریاد برمی‌آورد: ناموس شاه و گدا فرق ندارد. با من چنین نکنید.

این حادثه‌ی تاریخی، موضوعی کاملاً استثنایی بود؛ یعنی جنبه‌ی ناموسی داشت و ما ایرانیان به سنت اسلاف خودمان (به‌خلاف فرنگی‌های به اصطلاح بی‌غیرت که روابط جنسی هر فرد اعم از خویش و بیگانه را ناظر به اراده‌ی خود آن شخص بالغ می‌دانند)، نسبت به جرم‌های ناموسی حساسیت فراوان داریم. اما از این مورد استثنایی که بگذریم، در سبزواری هیچ‌گونه سخت‌گیری یا تبعیضی نسبت به ارمنی‌ها دیده نشده است و روابط بسیار حسنه‌ی در آن زمان بین مردم سبزواری اعم از بومی و مهاجر، مسلمان، مسیحی، متشرع و متصوف وجود داشته است.

۵- سخن پایانی

امیدواریم که این حسن ارتباط و رابطه‌ی حسنه همیشه بین همه‌ی باشندگان این خاک پاک اعم از اکثریت و اقلیت‌های دینی، مذهبی، قومی و زبانی برقرار بماند. ■